



سرمقاله

در تبیین آنچه رهبر معظم انقلاب از رئیس سازمان بسیج مطالبه کرده‌اند هر ایرانی، یک بسیجی

را نه تنها منقضی شده ندانست، بلکه آن را مهم‌تر و
ضروری‌تر از گذشته دنبال کرد.
ایران امروز جمعیتی بزرگ‌تر، جامعه‌ای گسترده‌تر و
مجموعه‌ای بسیار متنوع‌تر از تخصص‌ها و ظرفیت‌های
انسانی دارد. هر ایرانی، یک بسیجی، یعنی اینکه یک
مهندس، پزشک، کارگر، معلم، دانشجو و هر شهروند
دیگری، در جایگاه خود بخشی از قدرت ملی ایران است.
البته تحقق این ایده ضروری، به معنای نظامی کردن
جامعه نیست؛ اتفاقاً نقطه قوت آن، تبدیل احساس
تعلق ملی به مسئولیت سازمان یافته است.
مطالبه فرمانده کل قوا، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی
خامنه‌ای از رئیس سازمان بسیج، یعنی تحقق «هر
ایرانی، یک بسیجی» را باید ادامه همان ایده‌ای دانست
که امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۸ پایه گذاشتند: اینکه
دفاع از ایران و انقلاب، مسئولیتی همگانی است. تجربه
جنگ ۴۰ روزه نیز نشان داد این موضوع نه یک خاطره
متعلق به سال‌های جنگ تحمیلی هشت‌ساله، بلکه
یک ضرورت برای امروز و فردای ایران است.
اساساً کشوری که می‌خواهد قوی بماند، باید بتواند همه
ظرفیت‌های ملت خود را در لحظه خطر و تهدید پای
کار بیاورد. این همان ضرورتی است که مورد تأکید رهبر
انقلاب اسلامی قرار گرفته است.

و مشارکت مردمی خود را نشان داد؛ از امدادسانی در
مواقع رخداد حوادث طبیعی گرفته تا عرصه‌های امنیتی
و مقابله با آشوب‌ها و فتنه‌ها. در هر یک از این مقاطع
حساس، جمهوری اسلامی تنها با ساختارهای رسمی
خود از بحران‌ها عبور نکرده، بلکه سرمایه‌ای به نام
مردم داشته که در بزنگاه‌ها می‌تواند به میدان بیاید.
اما تجربه جنگ ۴۰ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی
علیه ایران، یک بار دیگر و این بار با شرایطی متفاوت،
اهمیت این مسئله را آشکار کرد. این جنگ، در کنار
توانمندی موشکی کشور و نظام اسلامی، تمامیت
سرزمینی ما را هدف قرار داده بود و به این دلیل با
شکست مواجه شد که جامعه ایرانی نسبت به کشور
خود احساس مسئولیت کرده و از اولین ساعات آغاز
جنگ تجاوزکارانه، سنگر خیابان را به تسخیر خود درآورد.
با این حال، جنگ رمضان را باید یک هشدار و در عین
حال یک فرصت دانست. هشدار از این جهت که تهدید
علیه ایران دیگر الزاماً در یک جبهه کلاسیک و با یک
شکل مشخص ظهور نمی‌کند، و فرصت از این جهت که
مشخص شد سرمایه اجتماعی و غیرت ملی ایرانیان برای
دفاع از کشور، بیش از هر زمانی زنده و قابل اتکا است.
بنابراین، اگر امام خمینی (ره) در دهه ۶۰ از بسیج بیست
میلیونی سخن می‌گفتند، امروز باید مفهوم بسیج ملی

بتواند توان پراکنده جامعه را در بزنگاه‌های بزرگ به
یک قدرت منسجم تبدیل کند. اساساً بسیج از ابتدا با
چنین منطقی شکل گرفت. امام خمینی (ره) در پنجم آذر
۱۳۵۸، در شرایطی که انقلاب اسلامی هنوز در نخستین
سال‌های حیات خود قرار داشت، فرمان تشکیل بسیج
را صادر کردند و از ارتش بیست میلیونی سخن گفتند.
این فرمان صرفاً تأسیس یک نیروی نظامی برای ایام
ابتدایی انقلاب اسلامی نبود، بلکه در عمق آن، یک
اندیشه امنیتی و ملی وجود داشت: کشوری که استقلال
خود را به دست آورده و در معرض تهدید قدرت‌های
خارجی قرار دارد، نمی‌تواند امنیت خود را تنها به
ساختارهای رسمی و نیروهای مسلح واگذارد کند. امنیت
ملی، هنگامی پایدار می‌شود که مردم نیز خود را صاحب
کشور و مسئول دفاع از آن بدانند.

به همین دلیل، بسیج از همان آغاز، پیوندی عمیق
با مفهوم دفاع از کشور پیدا کرد. جنگ تحمیلی،
بزرگ‌ترین عرصه ظهور این ظرفیت بود. مردم عادی،
در کنار نیروهای مسلح، به میدان آمدند و بخش مهمی
از بار دفاع از خاک ایران در برابر تجاوز دشمن بعثی
را بردوش گرفتند. این ظرفیت البته با پایان جنگ از
بین نرفت. در دهه‌های بعد نیز هرگاه کشور با بحران
یا تهدیدی جدی روبه‌رو شد، اشکال مختلفی از حضور

در بخشی از حکم انتصاب حجت‌الاسلام
والمسلمین حسین طائب به ریاست سازمان بسیج
مستضعفین، فرمانده کل قوا مأموریتی مهم و فراتر از
یک دستور سازمانی را مورد تأکید قرار داده‌اند: «تعمیق و
گسترش فرهنگ بسیج و مقاومت به منظور تحقق شعار
هر ایرانی، یک بسیجی با استفاده از ظرفیت آحاد مردم
مبعوث شده و اقشار میلیونی جانفدا در راستای ایران
قوی و متحد و حفاظت از انقلاب اسلامی». این عبارت،
در واقع ترسیم‌کننده تصویری از یک بسیج فراگیر و ملی
است؛ بسیجی که قرار نیست در مرزهای یک سازمان
یا حتی یک قشر اجتماعی محدود بماند، بلکه باید به
یک فرهنگ عمومی و یک ظرفیت ملی برای صیانت
از ایران و نظام اسلامی تبدیل شود.

اهمیت این مطالبه را زمانی بهتر می‌توان فهمید
که بدانیم مسئله امروز، صرفاً افزایش تعداد اعضای
سازمان بسیج نیست. مسئله، ایجاد نوعی آمادگی
عمومی در جامعه برای مواجهه با دشمنانی است که
امنیت، استقلال و تمامیت ارضی ایران را هر لحظه
تهدید می‌کنند. هر ایرانی، یک بسیجی، یعنی هر
ایرانی، متناسب با توانایی، تخصص و ظرفیت خود،
در قبال امنیت کشور احساس مسئولیت کند. تحقق
چنین هدفی نیز طبیعتاً نیازمند سازوکاری است که

اعتراف گاردین

آمریکا در باتلاق جنگ فرسایشی

تجاوز آمریکا به ایران، طبق توهमत کاخ سفید، قرار بود
نبردی کوتاه و تعیین‌کننده باشد، اما اکنون ارتش آمریکا درگیر
جنگی فرسایشی شده است؛ جنگی که هرچه طولانی‌تر می‌شود،
هزینه حفظ نیروها و تجهیزات برای واشنگتن افزایش می‌یابد،
بدون آنکه اهداف آمریکا محقق شده باشد. نشانه‌های این
فرسودگی حالا از میدان نبرد به درون ارتش آمریکا رسیده است. به
گزارش گاردین، ادامه مأموریت طولانی و بی‌سابقه ناو هواپیمابر
«آبراهام لینکلن» در ارتباط با جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران،
به تشدید بحران سلامت روان در میان حدود ۵ هزار ملوان و
تفنگدار دریایی این ناو منجر شده است، به گونه‌ای که بر اساس
گزارش‌های منتشرشده، چندین ملوان تلاش کرده‌اند خود را به
دریا بیندازند. حدود ۵ هزار ملوان و تفنگدار دریایی این ناو، حدود
۲۵۰ روز متوالی را بدون پهلو گرفتن سپری کرده‌اند و طبق گزارش
گاردین، به‌مرز جنون رسیده‌اند. خانواده‌های خدمه درباره خستگی
شدید، فشار روانی، ساعات کاری طاقت‌فرسا، کمبود برخی اقلام
ضروری و مشکلات بهداشتی هشدار داده‌اند. اهمیت این گزارش
فقط مشکلات یک ناو نیست، بلکه نشانه‌ای از هزینه پنهان جنگ
فرسایشی است. ناو آبراهام لینکلن قرار بود نماد قدرت و تداوم
عملیات آمریکا باشد، اما اکنون خود با فرسودگی نیروی انسانی
روبه‌روست. اگر جنگ شکست‌خورده ترامپ ادامه یابد، واشنگتن
باید نه فقط هزینه عملیات، بلکه هزینه فرسایش تدریجی توان
نظامی و انسانی خود را نیز بپردازد. جنگی که قرار بود ایران را
فرسوده کند، اکنون به تدریج خود آمریکا را فرسوده کرده است.

قاب

رواق دارالذکر در روز شهادت امام رضا

زائران رضوی در جوار مزار نورانی رهبر شهید انقلاب در رواق دارالذکر حرم مطهر در روز
شهادت امام رضا علیه‌السلام حضور یافتند و به عزاداری پرداختند.



روایت رواق دارالذکر

گرد و خاک عزیز

چادرش تا کمر غرق خاک بود. خودم را از
لای جمعیت رساندم کنارش. زل زده بود به قاب
گل آرایی عکس آقا. دستش را مرتب به چپ و راست
تکان می‌داد و زیر لب چیزهایی زمزمه می‌کرد. چند
دقیقه‌ای ایستاده بودم به تماشایش.
زمزمه‌هایش که تمام شد، دست چپش را پشت
کرد و کوفت به سینه‌اش. صبر کردم کمی آرام بگیرد.
پرسیدم تازه از راه رسیدید؟» سرش را چرخاند طرف
چادرش و گفت: «آره. انقدی تازه که گرد و خاک
چادرم رو تکتون ندادم و بدو اومدم حرم. این گرد و
خاک عزیزه.» گفتم: «گرد و خاک عزیز؟» گفت:
«بله خانم جان! پیاده از روستامون راه افتادم پیام
امام رضا علیه‌السلام به نیت امام شهید. هرسال آخر صفر،
این جاده رو با هم‌ولایتی‌ها به نیابت از آقای شهید
قدم برمی‌داشتیم.»

چشم‌های گود افتاده‌اش خیس شد: «اما امسال
به فرق دیگه داشت. مزارش تو مشهد منتظرمون
بود.» لبخند زدم و گفتم: «(قبول باشه حاج خانم.)»
دست‌هایش را گرفت بالا: «(الهی آمین. الهی خدا
قاتلش رو لعنت کنه. من به خونه توده‌ها تمون
بیشتر ندارم. به خونه کلوخی. ولی هر کس اون
ملعون رو بکشه، همون خونه رو میدم بهش.»

مریم برزویی